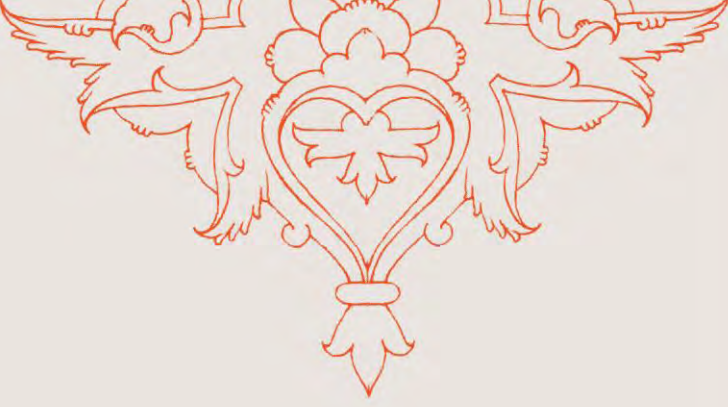


ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش مستعد

سال دوم، شماره ۱۴، آبان ۱۳۹۸





السلامة

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی دانش سلامت

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال دوم، شماره ۱۴، آبان ۱۳۹۸

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.
نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.
نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم
مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه
سر دبیر: دکتر اکرم حیدری
امور اجرایی: محمد سالم
ویراستار: حورا خمسه
طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،
آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir

۰۵۴۶-۲۵۲۲۴۰۰

سخن آغازین

دستورالعمل امام صادق علیه السلام به ارائه کنندگان سیر و سلوک الی الله در حدیث «عنوان بصری»..... ۳

سلامت در قرآن

دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن نوشتار دوم: از نطفه ترکیب شده (سلول تخم) تا مضغه (گوشت جویده)..... ۴
محسن اسلامی فارسانی، شیما آب‌آب‌زاده

سلامت در احادیث

کتاب «من لا یحضره الفقیه»..... ۸
هادی حجت

فقه سلامت

حکم اخذ وجه مازاد (زیرمیزی) از منظر فقه و قانون..... ۱۰
محمد مهری لبقوان

اخلاق سلامت

اسیر راز نشدن!..... ۱۲
محسن رضایی آدریانی

رازداری در فضای مجازی..... ۱۳
احمد مشکوری

فلسفه سلامت

علیت در پزشکی ۲..... ۱۴
صادق یوسفی

معرفی کتاب

جستارهایی در اخلاق کاربردی..... ۱۵

زلزال سلامت

دعوی اخلاص..... ۱۶



دستور العمل امام صادق علیه السلام به اراده کنندگان سیر و سلوک الی الله در حدیث «عنوان بصری»



بخوری، از حلال بخور و نام خدا را ببر و به خاطر بیایور حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود، هیچ وقت آدمی ظرفی را بدتر از شکمش پر نکرده است. بناءً علی هذا اگر بسیار گرسنه شد به ناچار از غذا میل کند؛

۳. انسان باید ثلث شکم خود را برای طعام، ثلث آن را برای آب و ثلث دیگر را برای نفَسش قرار دهد.

اما آن سه چیزی که راجع به بردباری و صبر است:

۱. پس کسی که به تو بگوید: اگر یک کلمه بگویی ده تا می شنوی، به او بگو: اگر ده کلمه بگویی یکی هم نمی شنوی؛

۲. کسی که تو را فحش دهد و ناسزا گوید، به وی بگو اگر در آنچه می گویی، راست می گویی، من از خدا می خواهم تا از من درگذرد و اگر در آنچه می گویی، دروغ می گویی، پس من از خدا می خواهم تا از تو درگذرد؛

۳. اگر کسی تو را تهدید کند که به تو فحش و ناسزا خواهد گفت، تو او را مژده بده که من درباره تو خیرخواه هستم و مراعات تو را می نمایم.

و اما، آن سه چیزی که راجع به علم است:

۱. از علما بپرس آنچه را که نمی دانی؛

۲. مبدا مسئله ای را از آن ها برای آزمایش و امتحان بپرسی تا ایشان را به لغزش افکنی؛

۳. مبدا از خودرأیی به کاری دست زنی و در تمام اموری که می بایست، احتیاط و محافظت از وقوع در خلاف امر داشته باشی، احتیاط را پیشه خودساز و از فتوا دادن بپرهیز، همان طور که از شیر درنده فرار می کنی و گردن خود را پل عبور مردم قرار نده.

منبع:

برگرفته از سایت حوزه (https://hawzah.net)

روایت عنوان بصری درباره سفارش امام جعفر صادق علیه السلام به علاقه مندان سیر و سلوک الی الله، دستوری بسیار کارساز و اساسی است. در راستای گذشتن از نفس اماره و خواهش های مادی، طبعی، شهوی و غضبی که به طور معمول در اثر کینه، حرص، شهوت، غضب و زیاده روی در لذت بردن ها، به وجود می آیند، مرحوم قاضی علیه السلام -استاد علامه طباطبائی علیه السلام - و عده ای دیگر از بزرگان، به شاگردان و مریدان سیر و سلوک الی الله دستور می دادند تا روایت عنوان بصری را بنویسند و بدان عمل کنند و افزون بر این، می گفتند لازم است آن را در جیب خود داشته باشند و هفته ای یکی دو بار آن را مطالعه کنند. این روایت بسیار مهم است و حاوی مطالبی بس نورانی و جامع در بیان مقام عبودیت، تسلیم و رضا، کیفیت معاشرت، کیفیت و مقدار غذا، کیفیت تحصیل علم، کیفیت حلم و مقدار شکیبایی و بردباری و تحمل سختی ها در برابر گفتار هرزه گوینان است.

ترجمه قسمتی از حدیث عنوان بصری

من تو را به نه چیز وصیت و سفارش می نمایم؛ زیرا که آن ها سفارش و وصیت من است به اراده کنندگان و پویندگان راه خداوند متعال و از خداوند مسألت می نمایم تا تو را در عمل به آن ها توفیق دهد.

سه مورد از آن نه امر، درباره تربیت و تأدیب نفس است و سه مورد از آن ها درباره حلم و بردباری و سه مورد دیگر، درباره علم و دانش است.

پس ای عنوان، آن ها را به خاطر بسیار و مبدا در عمل به آن ها از تو سستی و کاهلی سر زند!

اما آن چیزهایی که راجع به تأدیب نفس است، عبارت است از:

۱. مبدا چیزی را بخوری که بدان اشتها نداری؛ چراکه در انسان ایجاد حماقت و نادانی می کند؛

۲. چیزی مخور، مگر آنگاه که گرسنه باشی و چون خواستی چیزی



دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن

نوشتار دوم: از نطفه ترکیب‌شده (سلول تخم) تا مضغه

(گوشت جویده)

محسن اسلامی فارسانی - شیما آب آب زاده
Ahoramh.82@gmail.com

مقدمه:

در نوشتار اول (دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن) که در سیزدهمین شماره همین نشریه چاپ شد، با استناد به آیات ۱۲-۱۴ سوره مبارکه مؤمنون به بررسی ارتباط این آیات با مراحل تشکیل نطفه تا سلول تخم پرداختیم: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ و همانا ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. سپس از نطفه لخته خونی آفریدیم، آنگاه لخته خون را پاره گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس شایسته‌ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است (۱). همچنین با استناد به آیه پنجم سوره حج و آیات دیگر که مراحل رشد و تکامل جنین را به صورت مرحله‌به‌مرحله بیان نموده‌اند، یادآور شدیم که از این آیات، هفت مرحله کلی از چگونگی خلقت انسان از جنین قابل‌برداشت است که عبارت‌اند از:

عصاره‌ای از گل، نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم)، علقه (خون بسته)، مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، تبدیل مضغه به استخوان، پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها و سپس آفرینش تازه. در آن مقاله گفته شد که قرآن مجید در چندین مورد، منشأ حیات انسانی را شکل ترکیب‌شده‌ای از آب‌و خاک (تراب، سَلَالَةٌ مِنْ طِينٍ، صَلْصَالٌ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ، صَلْصَالٌ كَالْفَخَّارِ و هو الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا) بیان می‌کند (۲) و در مورد مرحله دوم (تشکل نطفه) خالق متعال در کتاب آسمانی ما مسلمانان، بیش از ۱۳۰۰ سال، قبل از آنکه انسان بتواند با کشف میکروسکوپ به ترکیب نطفه از سلول جنسی مؤنث و مذکر پی ببرد، می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ...﴾ ما انسان را از نطفه آمیخته‌شده آفریدیم

و آنجا که می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذًا تُمْنَىٰ﴾ (نجم، ۴۵ و ۴۶)؛ و اوست که جفت‌های نر و ماده را آفریده است از نطفه، آنگاه که در رحم ریخته می‌شود.

اکنون در این نوشتار، به بررسی آیات قرآن در مورد مراحل دیگر رشد و نمو جنین می‌پردازیم. باشد که مورد رضایت حق تعالی و پسند خوانندگان واقع شود.

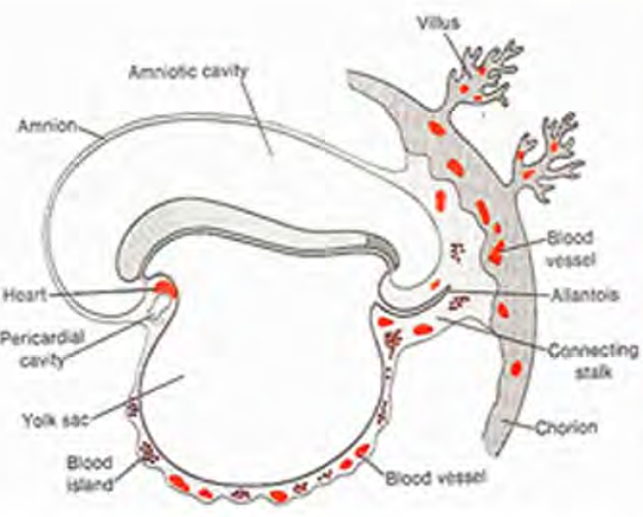
مرحله سوم علقه

مرحله سوم از مراحل هفت‌گانه که ذکر شد علقه است. خداوند متعال در بخشی از آیه چهاردهم سوره مؤمنون می‌فرماید: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً﴾ آنگاه نطفه را علقه کردیم.

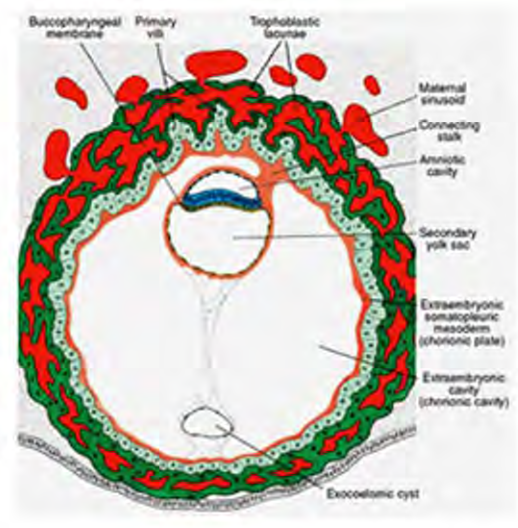
لفظ علقه در سه آیه دیگر (حج، ۵؛ غافر، ۶۷؛ قیامت، ۳) بیان شده و در آیه دوم سوره علق به صورت لفظ «علق» آمده است. علق به معنای درآویختن، دل بستن، چیز چسبان، خون و آویزگاه ذکر شده و علقه از نظر لغوی دارای معانی متعددی است که عبارت‌اند از: زالویی که در آب بر که زندگی می‌کند و تغذیه آن وابسته به سایر موجودات است، زالوی مکنده خون، خون لخته شده و یک شیء آویزان و چسبان. در برخی از تفاسیر (مانند تفسیر طنطاوی، المیزان و نمونه) بیشتر علقه، خون بسته معنا شده است (۲-۴). دکتر محمدعلی البار، عقیده دارد که علقه با خون بسته احاطه شده و حجم آن، هنگام الصاق به جدار رحم از یک چهارم میلی‌متر هم کمتر است (۵). برخی معتقدند که علقه را باید به معنای چیزی که آویخته می‌شود تفسیر کرد و معنی مشتق از آنکه خون بسته است و اکثر اوقات در ترجمه‌ها درج گردیده نادرست بوده و معنای نخست علقه، یعنی چیزی که آویخته می‌شود، کاملاً پاسخگوی واقعیت است (۶).

اما از نظر علم جنین‌شناسی، کمابیش هر سه تفسیر خون بسته، چیزی آویزان و تفسیر زالو مانند بودن، می‌تواند درست باشد. در مورد خون بسته، هر چند علم جنین‌شناسی ثابت کرده است که تا هفته سوم، سلول خونی در بدن جنین تشکیل نمی‌شود؛ اما جنین





شکل ۲: جنین در هفته سوم. تشکیل اولین جزایر خونی بسته در پرده‌های پوشاننده (کوریون) و کیسه زرده و ساقه اتصالی (بند ناف آینده) که عروق و سلول‌های خونی را می‌سازد.



شکل ۱: نمای خون بسته در اطراف جنین در روز یازدهم یا دوازدهم، پر خونی در حفرات تروفوبلاست - حالت آویزان توسط ساقه اتصالی (بند ناف آینده) - نمای زالوی شکل دو ردیف سلول بدن جنین (بی‌رنگ).

معلق و آویزان و زالو مانند) اشاره دارد؛ بنابراین بی‌حکمت نیست که خالق متعال در اولین سوره‌ای که بر بشر نازل می‌کند: ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ (علق، ۱) از چنین تعبیری پر مفهوم و زیبا استفاده می‌کند. شاید برای آنکه، روزی که علم بشر به حد امروز رسید، تازه درک کند چگونه آفریدگار جهان، قادر متعال است و بر همه جنبه‌های خلقت انسان آگاهی داشته است و چگونه بیش از هزار سال قبل، به این مفاهیم علمی اشاره کرده است که امروزه، درک آن‌ها نیاز به میکروسکوپ و رشد علمی بالایی دارد؛ چراکه در این زمان، اندازه کل توده جنینی بسیار کوچک است و حتی به یک میلی‌متر هم نمی‌رسد و یافتن و مشاهده آن در آندومتر جنین، نیاز به ابزار ویژه و دانش پزشکی و بیولوژی بالایی دارد. حال چگونه ممکن است یک انسان عامی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانسته اگر از جانب خداوند متعال برگزیده نشده و علم و دانش الهی به او وحی نشده باشد به چنین مفاهیمی عمیق دست یابد؟ و این قرآن همان کتابی است که متن آن، خود معجزه بزرگ پیامبر گرامی اسلام است. امید است که ما آن را با درکی عمیق‌تر بخوانیم و در آیات مبارکش بیشتر تفحص کنیم.

مرحله چهارم؛ تشکیل مضغه

مرحله چهارم از رشد رویان که قرآن مجید در آیه چهاردهم سوره مؤمنون ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً﴾ و آیه پنجم سوره حج ﴿فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ نُرَابٍ نَثْمٍ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾ به آن اشاره می‌کند «مضغه» است (۱). مضغه از مضغ (جویدن) و به معنای پاره گوشت (مقداری از گوشت به قدر یک‌بار جویدن و لقمه جویده از گوشت و غیر آن

در پایان هفته اول در آندومتر رحم نفوذ می‌کند و در روز نهم در لایه تروفوبلاست خارجی (لایه خارجی تغذیه‌ای جنین) حفراتی در بین سلول‌ها ایجاد می‌شود. در روز یازدهم و دوازدهم، سلول‌های تروفوبلاست خارجی که سلول‌های مهاجمی هستند به عروق آندومتر رحم نفوذ کرده و از عروق مادر، خون وارد آن‌ها می‌شود. در روز سیزدهم جریان خون بسیار شدیدتر است به گونه‌ای که حتی ممکن است مادر خونریزی خارجی داشته باشد (۷)؛ بنابراین توده‌ای را تصور کنید که در لایه پوشاننده آن حفرات پر از خون وجود دارد (شکل ۱) و البته این خون ظاهرش بسته است؛ ولی در اصل توسط عروق مادر تخلیه می‌شود و همچنین در طی هفته سوم، سلول‌ها و عروق خونی به شکل جزایر خونی در پرده پوشاننده جنین (کوریون) و کیسه زرده شروع به تشکیل شدن می‌کنند که این جزایر خونی کاملاً بسته هستند و تا تشکیل کامل عروق بند ناف به جایی راه ندارند (شکل ۲)؛ همچنین در طی هفته دوم تا آغاز هفته سوم، توده سلول داخلی که اصل بدن جنین آینده را تشکیل می‌دهد، به صورت دولایه سلولی دیده می‌شود که توسط یک بافت همبند به نام ساقه اتصالی (همان بند ناف آینده) به لایه تروفوبلاست و آندومتر که جفت را تشکیل خواهند داد اتصال داشته و به داخل حفره کوریون آویزان است (شکل ۳)؛ بنابراین هم از نظر شکل ظاهری به زالو شبیه است، هم به واسطه ساقه اتصالی، از نظر تغذیه‌ای همانند زالو که مکند خون است از خون مادر که درون حفرات تروفوبلاست است تغذیه می‌کند.

به نظر می‌رسد واژه علقه در قرآن کریم، تعبیر بسیار دقیق و زیبایی است که باظرافت و بسیار پرمعنا انتخاب شده که به هر سه جنبه وجودی رویان در طی هفته دوم تا سوم (خون بسته، چیزی



است (۸). پس منظور، ماده‌ای شبیه گوشت نرم و یا آدامس در حال جویده شدن در دهان است. از این لغت علاوه بر شکل ظاهری، این‌گونه برداشت می‌شود که همواره در حال تغییر، دگرگونی و تغییر اندازه و فرم است و البته شکل نگرفته و ناکامل. از نظر علم جنین‌شناسی، مهم‌ترین مرحله رشد که همراه با تمایز سلولی و طرح‌ریزی برای تشکیل اندام‌ها است پس از تشکیل سه لایه جنینی در هفته سوم به بعد آغاز می‌شود و کمابیش تا هفته هشتم که شکل جنین کامل می‌شود ادامه دارد. تقریباً در پایان هفته سوم (روز بیستم) در بخش پشتی بدن جنین، در دو طرف خط وسط، سلول‌ها به شکل توده‌های منسجمی کنار هم جمع شده و ساختارهایی به نام سومیت ایجاد می‌کنند که تا پایان هفته پنجم، هرروز سه جفت اضافه‌شده و در نهایت به ۴۲ تا ۴۴ عدد می‌رسند. جالب است که نمای ظاهری این سومیت‌ها حالتی دنده دنده و شبیه تکه گوشت و یا آدامس جویده شده است (شکل ۴). در مراحل بعدی رشد، تعدادی از سومیت‌ها از بین رفته و ۳۳ عدد باقی‌مانده که استخوانی شده و مهره‌ها را به همراه دنده‌ها، عضلات پوشاننده آن‌ها و درم پوست همان ناحیه می‌سازند (۷). این دوران با تغییر و تحولات زیادی همراه است و مرحله شکل‌گیری اندام‌ها (اورگانوژنز) نام دارد که ابتدا سه لایه جنینی (اکتودرم، مزودرم و اندودرم) تشکیل‌شده سپس از هر لایه، بافت‌ها و اندام‌های خاصی شکل می‌گیرند و همانند تکه گوشت در حال جویدن، شکل، حالت و طول آن در حال تغییر است.

عبارت مضغه بسیار زیبا، باظرافت و پر مفهوم انتخاب‌شده است. خداوند متعال افزون بر، توجه به شکل ظاهری رویان، به تغییرات مهم تحولی در این دوران نیز اشاره دارد تا به قدرت و عظمت خالق هستی بیشتر پی ببریم؛ بنابراین به نظر می‌رسد مضغه با رشد رویان در پایان هفته سوم تا هفته ششم، مطابقت داشته باشد. در مورد آیه **﴿مُضَغَةٌ مُخَلَّقَةٌ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾** (حج، ۵) چندین تفسیر وجود دارد:

۱. بعضی معتقدند که **مُضَغَةٌ مُخَلَّقَةٌ**، یعنی جنینی که خلقتش کامل است و **مُضَغَةٌ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ** به معنی سقط شده است که



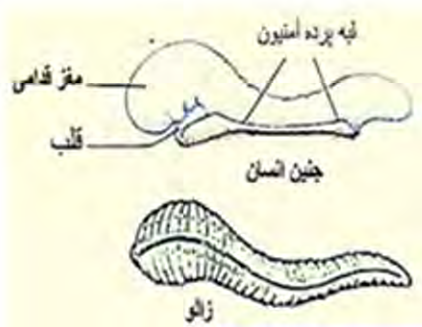
خلقتش کامل نیست (۹).
۲. برخی نیز بخشی از جنین را که سلول‌های آن تمایز یافته و در حال تشکیل اعضاء، مثل دستگاه عصبی، گوارش، تنفس و ... است، **مُضَغَةٌ مُخَلَّقَةٌ** گویند و آن بخش از مضغه را که سلول‌های آن هنوز تخصص نیافته‌اند (استخوان و عضله و ...) را **غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ** می‌گویند (۱۰).

۳. عده‌ای آن قسمت از توده جنینی را که در ساخت بدن جنین شرکت دارند، مخلقه و بخشی را که در ساخت ساختارهای اطراف جنین یعنی تروفوبلاست، جفت، آمنیون و کوریون دخالت دارند، غیر مخلقه می‌گویند (۱۰).

۴. برخی مرحله اول که اندام‌ها تشکیل نشده‌اند را **غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ** و مرحله تشکیل اندام‌ها را مخلقه می‌گویند (۱۱).

از آنجاکه مخلقه قبل از غیر مخلقه ذکر شده، مورد سوم به دلیل اینکه تروفوبلاست قبل از تکامل جنین کامل می‌شود و می‌بایست **غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ** اول ذکر می‌شد به نظر صحیح نمی‌رسد و همچنین مورد چهارم نیز به همین دلیل دارای اشکال است؛ چون اگر اشاره غیر مخلقه به مرحله‌ای است که اندام‌ها تشکیل نشده‌اند پس باید غیر مخلقه در ابتدا بیان می‌شد. مخلقه برای مبالغه خلق است و خلق به معنی ایجاد ساختاری با کیفیت مخصوص است؛ بنابراین به نظر می‌رسد به سلول‌ها و بخش‌هایی از جنین که متمایز شده و سلول‌ها تخصص یافته‌اند اشاره دارد؛ مانند لوله عصبی که روز بیست و هشتم به‌طور کامل بسته‌شده و سلول‌های عصبی تخصص یافته‌اند و غیر مخلقه، بخش‌هایی است که هنوز متمایز نشده و در مراحل بعد متمایز می‌شوند؛ بنابراین موارد اول و دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسند.

همچنین به نظر می‌رسد، این آیه باظرافت بسیار زیادی به این مطلب اشاره دارد که برخی از اندام‌های ضروری، مخلقه هستند و می‌بایست زودتر تمایز خود را آغاز کنند و برخی که غیر مخلقه هستند دیرتر. شاید دلیل این تقدم و تأخیر این است که اگر اندام اول شکل نگیرد، موجب اختلال و غیر مخلقه شدن اندام‌های دیگر می‌شود. علم جنین‌شناسی در قرن ۲۱ به‌واسطه بررسی‌های



شکل ۲: نشانه ظاهری جنین به زالو در هفته سوم.

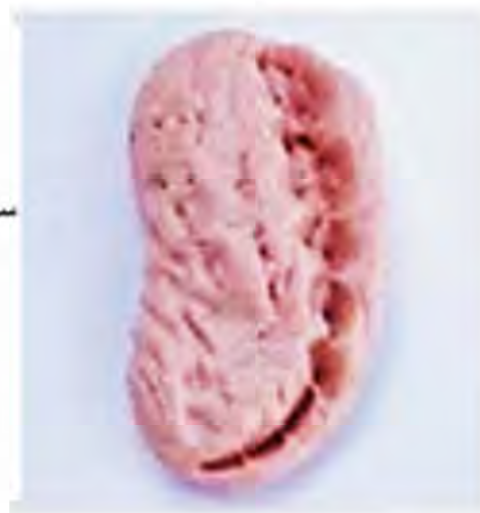




مولکولی و بیان ژن‌ها در مراحل مختلف تکامل، تازه به این یافته‌ها رسیده است که در بدن موجودات، ژن‌هایی به نام هموباکس وجود دارند که بیانشان باید به شکل متوالی باشد و در یک‌زمان مشخص بیان‌شده و ساختاری را ایجاد کنند و سپس در زمان مشخصی از بین بروند؛ چراکه ژن بعدی بیانش وابسته به ژن قبلی است و اگر در ژن‌های پیشین اختلال ایجاد شود، ژن‌های بعد هم نمی‌توانند بیان شوند و چه‌بسا منجر به نقص ساختاری جنین و سقط آن شوند؛ بنابراین به‌طور خاص، هفته سوم تا هشتم برای بیان این ژن‌ها بسیار حیاتی است. خالق متعال با چنان دقتی زمان‌بندی و توالی شکل‌گیری اندام‌ها را طراحی و صورت‌گیری می‌کند که موجودی با اندام‌های کامل و کارآمد تشکیل شود؛ بنابراین در پایان آیه چهاردهم سوره مؤمنون به زیبایی می‌فرماید: ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ و شایسته تقدیر و تکریم است خالقی که بهترین آفرینندگان است. باشد که از لطف و کرم ما را یاری کند که شکرگزار نعماتش بوده و بتوانیم تکریم شایسته‌ی قادر متعال و خالق این‌همه زیبایی را بجای آوریم.

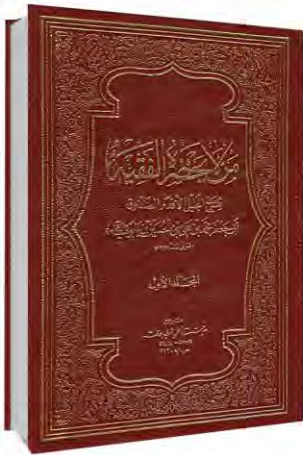


- منابع:
۱. قرآن مجید، (۱۳۸۹ ش). خط عثمان طه، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران: انتشارات اسوه، چاپ اول.
 ۲. محمدحسین طباطبایی (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیرالقرآن، ج پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۳. طنطاوی بن جوهری (۱۳۵۰ ق). الجواهر فی تفسیرالقرآن الکریم، ترجمه مصطفی البابی، مصر: بی‌نا.
 ۴. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، ج اول، تهران: دارالکتب الاسلامی.
 ۵. محمدعلی البار (۱۹۹۵ ق). خلق الانسان بین الطب و القرآن، بیجا: دارالبشیر.
 ۶. موریس بوکای (۱۳۵۷ ش). مقایسه‌ای بین تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه دبیر، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
 ۷. مرتضی کروجی و همکاران (۱۳۹۸). رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، آرتین طب، چاپ اول، ص ۵۰۲.
 ۸. محمد صادقی تهرانی (۱۳۶۵ ش). الفرقان فی تفسیرالقرآن، ج دوم، قم: فرهنگ اسلامی.
 ۹. فضل بن حسن طبرسی (۱۳۷۷ ش). تفسیر جوامع الجامع، ج اول، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
 ۱۰. قاسم ساکی (۱۳۹۳ ش). جنین‌شناسی پزشکی به استناد آیات قرآن و احادیث، انتشارات خسروی، ص ۵۳-۵۰.
 ۱۱. شهناز رضوی و همکاران (۱۳۸۹). مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم جنین‌شناسی، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۲۰۱، ص ۱۸۲-۱۵۹.



شکل ۴: سمت چپ جنین در هفته چهارم دارای توده‌های سلولی به نام سومیت در دو طرف پشت که حالت دندان‌اندانه، مشابه آدامس جویده شده در سمت راست.

کتاب «من لایحضره الفقیه»



دکتر هادی حجت
دانشگاه قرآن و حدیث
hojjat.h@qhu.ac.ir



در ادامه معرفی جوامع حدیثی شیعه، به معرفی یکی دیگر از جوامع حدیثی متقدم، یعنی کتاب شریف «من لایحضره الفقیه» و مؤلف آن، مرحوم شیخ صدوق، می‌پردازیم.

شیخ صدوق

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به «شیخ صدوق» از بزرگ‌ترین محدثان شیعه است. پدرش علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) از فقها و محدثان بزرگ شیعه در عصر غیبت صغری و مدفون در منطقه مرکزی قم است. وی که تا سالیان طولانی فرزند نداشت، در نامه‌ای از امام زمان علیه السلام درخواست کرد تا برایشان دعا کنند. امام در توقیع مبارک خود، او را بشارت دادند که ما برای تو دعا کرده‌ایم و به زودی دارای دو پسر فقیه خواهی شد. در اثر دعای امام زمان علیه السلام شیخ صدوق در حدود سال‌های ۳۰۶ هجری به دنیا آمد. خود او در کتاب کمال‌الدین می‌گوید: محمد بن علی‌الاسود که اشتیاق مرا در تعلیم علم می‌دید، می‌گفت: «اشتیاق تو در علم آموزی عجیب نیست؛ زیرا تو در اثر دعای امام عصر علیه السلام به دنیا آمده‌ای.» خود شیخ صدوق نیز به این مطلب افتخار می‌کرد و می‌گفت: «من به دعای صاحب‌الامر علیه السلام متولد شده‌ام».

شیخ صدوق در کثرت مشایخ، در میان عالمان شیعه کم‌نظیر است و اساتید وی را بیش از ۲۵۰ تن بر شمرده‌اند. وی پس از پدرش، شاگرد محمد بن حسن بن ولید شد. از بین مشایخ متعدد وی، ابن ولید (م ۳۴۳ ق) در تکوین شخصیت علمی صدوق، به‌ویژه در زمینه‌های حدیثی و رجالی، مؤثرتر بوده است. شیخ صدوق پس از چند سال کسب علم از مشایخ قم، به شهر بزرگ ری مهاجرت کرد و این شهر را محل سکونت خود قرار داد و سپس از آنجا به شهرهای زیادی سفر کرده، از مشایخ آن دیار اعم از شیعه و سنی روایت نقل کرده است. در سال‌های ۳۵۲ تا ۳۶۸ به نیشابور، مشهد، مرو، بغداد (مدینه السلام)، کوفه، مکه، همدان، بلخ، سرخس، سمرقند و گرگان سفر کرد. وی از جوانی بر کرسی تحدیث نشست و بزرگانی از امامیه همچون: شیخ مفید، سیدمرتضی علم‌الهدی، حسین بن عبیدالله غضائری از او روایت شنیده‌اند.

شیخ صدوق از نظر وسعت معلومات و کثرت کتب و مصنفات، در بین دانشمندان فردی کم‌نظیر است. وی کم‌وبیش سیصد کتاب و رساله در موضوعات مختلفی از قبیل تفسیر، حدیث، اخلاق، عقاید، فقه و رجال نوشته بود که متأسفانه، امروزه از میان آثار ارزنده و

متعدد وی، کمتر از بیست اثر به دست ما رسیده است. شیخ صدوق پس از هفتاد و چند سال زندگانی درخشان و پرافتخارش سرانجام، سال ۳۸۱ هجری در ری چشم از جهان فرو بست و آرامگاهش در شهر ری به نام «ابن بابویه» زیارتگاه مسلمانان است.

کتاب «من لایحضره الفقیه»

نام کامل این اثر، کتاب من لایحضره الفقیه است؛ عنوانی که مرحوم صدوق در مقدمه کتاب، بدان تصریح کرده است. به اقتضای معنای عبارت، همانا لفظ «کتاب» نیز جزء عنوان است؛ یعنی «کتاب آن کس که دسترسی به فقیه ندارد»، مؤید این نکته آن است که مرحوم صدوق، نام این کتاب را از یکی از آثار محمد بن زکریای رازی به نام کتاب من لایحضره الطیب اقتباس کرده است. به این کتاب به اختصار، الفقیه نیز اطلاق می‌شود.

شیخ صدوق تألیف الفقیه را در سال ۳۶۸ هجری به درخواست یکی از سادات بزرگوار شهر بلخ در ایلاق آغاز کرد. او از شیخ صدوق درخواست کرده بود مانند کتاب من لایحضره الطیب محمد بن زکریای رازی در علم طب، او هم کتابی در علم فقه به نگارش در آورد تا مورد استفاده کسانی قرار گیرد که به علما و فقهای بزرگ دسترسی ندارند؛ از این رو موضوع اصلی کتاب، روایات فقهی است.

مشخصه‌های کتاب من لایحضره الفقیه

با بررسی مقدمه و متن کتاب، برخی از ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:
۱. احادیث آن از کتاب‌های اصول مشهور و مرجع نقل شده است و از این جهت معتبر هستند. کتاب در چاپ‌های رایج در چهار جلد تنظیم شده و مشتمل بر حدود شش هزار حدیث است.

۲. چون موضوع اصلی کتاب احکام فقهی است، ابواب کتاب بر اساس ابواب و مباحث فقهی سامان یافته است. مرحوم صدوق در لابه‌لای مباحث فقهی این کتاب، گاه به تناسب بحث، برخی از ادعیه، زیارات و روایات اخلاقی را نیز آورده است؛ مثلاً پس از کتاب الحج (در پایان جلد دوم فقیه) متن زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، موضع قبر ایشان، زیارت جامعه کبیره و رساله حقوق امام سجاد علیه السلام را نقل کرده است. بخش پایانی نیز با عنوان «کتاب النوادر» مجموعه‌ای مشتمل بر ۱۵۸ حدیث خواندنی شامل وصایا و مطالب



شیخ صدوق رحمته الله سید کتاب و رساله در موضوعات مختلفی از قبیل تفسیر، حدیث، اخلاق، عقاید، فقه و رجال نوشته بود که متأسفانه امروزه از میان آثار متعدد و ارزنده وی، کمتر از بیست اثر به دست ما رسیده است.



اخلاقی از معصومین علیهم السلام است.

۳. شیخ صدوق در این کتاب، مجموعه روایات فقهی اهل بیت علیهم السلام را که از دیدگاه خود، صحیح، معتبر و حجت بین خود و خدا می‌دانسته، جمع‌آوری کرده است؛ هرچند سند روایت را در کتاب، حذف و یا ناقص نقل کرده است.

۴. مرحوم صدوق در پی تصنیف کتابی فقهی بوده است نه حدیثی و چون فقه مأثور (روایی) از الفاظ روایات اخذ می‌شود، احادیث فقهی را نقل کرده است.

۵. شیخ صدوق همچون کلینی، روایات مختلف و متعارض را نقل نکرده است، بلکه فقط آنچه را که مطابق فتوای خودش بوده، نقل کرده است.

۶. به‌منظور پرهیز از طولانی شدن کتاب، اسناد روایات را حذف کرده است و برای اینکه موجب ارسال (مرسل شدن) روایات نشود، مشیخه‌ای در آخر کتاب فراهم کرده و بسیاری از اسناد خود را در آنجا ذکر نموده است. (مشیخه در لغت، اسم مکان از «شیخ» به معنای محل ذکر مشایخ است و در اصطلاح، فهرستی از سندهایی است که برای اتصال سلسله سند به مشایخ یا کتبی که روایات از آن‌ها نقل شده است، به کار می‌رود).

۷. مشیخه ذکرشده در آخر کتاب کامل نیست و نزدیک به ۱۲۰ روای و طرق خود به آن‌ها را ذکر نکرده است.

۸. صدوق در بعضی از موارد، حدیث را به‌صورت نقل به معنا می‌آورد و نص روایت را ذکر نمی‌کند؛ لذا در تعارض بین این کتاب و سایر کتب در الفاظ حدیث، کتب دیگر متقدم می‌شوند.

۹. روایات منسوب به ائمه علیهم السلام را دو گونه نقل می‌کند: گاه به‌صورت «قال الصادق» و گاه «روی عن الصادق». گفته‌شده مورد اول درجایی به‌کاررفته است که به‌صورت حدیث اطمینان دارد و دومین مورد، در مواردی بوده که این اطمینان حاصل نشده است.

۱۰. اکثر فتوای شیخ صدوق در کتاب فقیه، با فتوای مشهور علمای شیعه موافقت دارد، اما موارد نادری نیز فتوای شاذ و خلاف مشهوری در این کتاب به چشم می‌خورد؛ مانند جواز وضو با گلاب، وجوب تحت الحنک برای شخص معمم، وجوب قنوت و وجوب غسل روز جمعه.

منابع:

دانش حدیث، به قلم مدرسان دانشگاه قرآن و حدیث، نشر جمال، ۱۳۹۵. صص

۲۲۲-۲۲۳

چند حدیث مرتبط با سلامت از کتاب من لایحضره الفقیه

- در حمام تکیه مده که پیه کلیه‌ها آب می‌شود. (ج ۱، ص ۱۱۶)
- ناشتا به حمام نروید و وارد حمام نشوید، مگر آنکه چیزی خورده باشید. (ج ۱، ص ۱۱۶)
- شستن سر با ختمی در هر جمعه، ایمنی بخش از پیسی و دیوانگی است. (ج ۱، ص ۱۲۴)
- حمام یک روز در میان، گوشت را می‌رویاند و مداومت هرروزه بر حمام، پیه کلیه‌ها را از بین می‌برد. (ج ۱، ص ۱۱۷)
- بیماری از سه چیز است و درمان نیز در سه چیز: درد از خون، صفرا یا سودا و یا از بلغم است؛ درمان خون حجامت است، درمان صفرا یا سودا به کار بردن مسهل و درمان بلغم حمام است. (ج ۱، ص ۱۲۶)



حکم اخذ وجه مازاد (زیرمیزی) از منظر فقه و قانون

محمد مهری لیقوان
دانشکده سلامت و دین - دانشگاه علوم پزشکی قم
mmehrilighvan@gmsil.com

به منظور جلوگیری از وقوع تخلفات در بخش سلامت و رسیدگی به شکایات از عملکرد اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بخش سلامت کشور، شیوه نامه اجرایی نظارت بر خدمات سلامت جهت اجرا از تاریخ ۱۵/۸/۱۳۹۳ ابلاغ گردیده و منظور از تخلف در این شیوه نامه، دریافت وجهی بالاتر از سقف تعرفه خدمات سلامت ابلاغی از سوی هیئت وزیران، دریافت وجه بدون ارائه رسید رسمی یا هرگونه دریافت وجهی خارج از بیمارستان و مراکز جراحی محدود و هرگونه عقد قرارداد با پرداخت بالاتر از تعرفه، توسط بیمه‌ای مکمل است.

از دیدگاه فقهی نیز این عمل مغایر با احکام دین مبین اسلام است و با توجه به اینکه رضایت طرفین، مهم‌ترین عامل در صحت و نفوذ قرارداد درمان است؛ بنابراین زمانی که بیمار در حال اضطراب و درماندگی است، پزشک از این موقعیت بیمار سوءاستفاده نموده و بیمار را در شرایط پذیرش و رضایت قرار می‌دهد؛ اما هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که هزینه بیشتری بابت کالا و خدمتی که قیمت ثابت و مشخص دارد، بپردازد؛ در این خصوص، می‌توان با استفاده از قاعده لا ضرر و به دلیل فریب خوردن بیمار به بطلان چنین قراردادی حکم نمود (۴). با عنایت به ولایت امری ولی فقیه و اینکه قوانین و مقررات صادره از سوی مجلس و مصوبات دولت و هیئت وزیران به تأیید نهایی شورای نگهبان می‌رسد و این احکام با هدف رعایت مصلحت عمومی و برقراری نظم و حفظ نظام اجتماع است؛ بنابراین در طول احکام اولیه و ثانویه بوده و منطبق بر شرع است و رعایت نکردن آن نه تنها جرم، بلکه گناه نیز می‌باشد؛ بنابراین پزشک متخلف افزون بر اینکه فردی هنجارشکن و قانون‌گریز است، گناهکار نیز انگاشته شده و عذاب اخروی در انتظار اوست و مالک وجه دریافتی نبوده و عباداتی از جمله خمس، زکات و صدقه را با این وجه نمی‌توان انجام داد.

فتاوی مراجع در خصوص مطالبه‌ی مبلغ اضافی از بیمار بابت عمل جراحی

س. همان طوری که به احتمال زیاد شنیده‌اید، اکثر پزشکان از بیمارانی که می‌خواهند عمل کنند مبلغی پول به عنوان حق الزحمه عمل جراحی (که به زیرمیزی مشهور شده است) می‌گیرند، حال

امروزه با گسترش روزافزون جوامع بشری و افزایش روابط افراد جامعه، رایزنی و چاره‌اندیشی در جهت اعمال سیاست‌های تعیین حدود ارتباطات ضروری است و این موضوع به دلیل اهمیت ویژه آن، نیازمند دقت و توجه است. شاید بتوان گفت، یکی از مهم‌ترین این روابط، روابط مالی بین افراد جامعه است. روابط مالی پزشک و بیمار از دیرباز مورد توجه بوده است؛ زیرا مهم‌ترین سرمایه انسان همانا جان اوست و حفظ این سرمایه، طبق آیات و روایات ضروری است؛ بنابراین جوامع بشری قوانینی تدوین نموده و از طریق روش‌های مختلف، تعرفه‌ها را تعیین و اعلام می‌کنند، به طوری که در اغلب نقاط دنیا هیچ گونه ارتباط مالی مابین پزشک و بیمار وجود ندارد.

در کشور ما، پیدایش زیرمیزی در حرفه مقدس پزشکی از زمانی آغاز شد که دولت اقدام به ارزش‌گذاری و تعیین تعرفه برای خدمات درمانی نمود و برخی پزشکان که تعرفه‌ها را واقعی نمی‌دانستند، هزینه‌های مازاد بر این تعرفه را تحت عنوان دستمزد به صورت زیرمیزی، جدای از صورت حساب بیمار اخذ می‌نمودند که در برخی موارد، رقم درخواستی چند صد میلیون ریال گزارش شده است. لازم به ذکر است که در حال حاضر، این مسئله از حالت پنهانی و مخفیانه به امری آشکار و معمول تبدیل شده است.

وجود این معضل در حرفه پزشکی زیان‌های جبران‌ناپذیری را همراه دارد؛ زیرا از یکسو اغلب بیماران پس از پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور پزشکی دچار فقر مطلق شده و به دلیل دریافت نکردن هیچ‌گونه رسیدی، نمی‌توانند از بیمه‌های پایه یا تکمیلی استفاده نمایند و از سوی دیگر، پزشک نیز با توجه به عدم ثبت این وجه، از پرداخت مالیات طفره رفته و خسارت هنگفتی به سامانه مالیاتی کشور وارد می‌کند. این معضل می‌تواند ناشی از عدم تنظیم تعرفه مناسب توسط دولتمردان و یا زیاده‌خواهی برخی از پزشکان باشد (۱) که با توجه به رشد مناسب تعرفه‌های پزشکی (با شروع طرح تحول نظام سلامت) به نظر می‌رسد، عامل دوم نقش مهم‌تری داشته باشد.

این مسئله از دو منظر فقه و قانون قابل بررسی است. از منظر قانون طبق ماده ۴۵ قانون سازمان نظام پزشکی (۲) و طی تصویب نامه شماره ۷۴۴۵۰/ت/۵۰۹۸۲-هـ مورخه ۱/۷/۱۳۹۳ هیئت وزیران (۳)



گرفتن زیرمیزی جایز نیست، ولی اگر به صورت آزاد معالجه می کند با رضایت طرفین مانعی ندارد (۷).

س: اخذ مبلغ زیرمیزی توسط برخی پزشکان چه حکمی دارد؟ دهنده این مبلغ چه حکمی دارد؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته:

گرفتن وجه اضافی از بیمار به هر عنوانی که برخلاف ضوابط و مقررات باشد، شرعاً جایز نیست (۸).

منابع:

۱. حیدری، حسین و همکاران. مقاله حکم اخذ وجه مازاد بر تعرفه توسط پزشکان (زیرمیزی) در مراکز خصوص از منظر فقه. فصلنامه حقوق پزشکی، سال دهم شماره ۳۹. زمستان سال ۱۳۹۵
۲. صدر، شهاب الدین. قوانین سازمان نظام پزشکی. انتشارات پیشگامان سلامت. سال ۱۳۹۰.
۳. تصویب نامه شماره ۷۴۴۵۰/ت ۵۰۹۸۲-هـ مورخه ۱۷/۱۳۹۳ هیئت وزیران
۴. قاسمی، محمدعلی. دانشنامه فقه پزشکی. معاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار. سال ۱۳۹۵
۵. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>
۶. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی: www.makarem.ir
۷. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی صافی گلپایگانی www.saafi.com
۸. لنکرانی، فاضل. احکام پزشکان و بیماران. مرکز فقهی ائمه اطهار. سال ۱۳۸۶

می خواستم بدانم این پول چه حکمی دارد؟ حلال است یا حرام است؟

حضرت آیت الله خامنه ای رحمته:

ج. پزشک اگر کارمند دولت در بیمارستان باشد که حقوق خود را از صندوق دولت دریافت می کند و یا عمل جراحی را بر اساس دریافت اجرت عمل از شرکت بیمه دریافت می نماید، حق مطالبه مبلغ اضافی از بیمار را ندارد (۵).

س: اخذ مبلغ زیرمیزی توسط برخی پزشکان چه حکمی دارد؟ دهنده این مبلغ چه حکمی دارد؟

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته:

در صورتی که طبیب استخدام دولت باشد، در برابر انجام وظیفه خود نمی تواند پول اضافی بگیرد، ولی اگر در استخدام نبوده باشد، هر قدر با بیمار توافق کند مانعی ندارد البته اگر حکومت اسلامی نرخ خاصی را تعیین نموده، عمل برخلاف آن جایز نیست و در هر حال باید عدل و انصاف را رعایت کند (۶).

س: اخذ مبلغ زیرمیزی توسط برخی پزشکان چه حکمی دارد؟ دهنده این مبلغ چه حکمی دارد؟

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته:

اگر پزشکی متعهد شد که با مقررات خاص بیمارستان عمل کند،



رضایت طرفین، مهم ترین عامل در صحت و نفوذ قرارداد درمان است، لیکن رضایت بیمار در حال اضطرار و درماندگی است.

اخلاق سلامت

اسیر راز نشدن!

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام
«سِرِّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ»^۱
امام علی علیه السلام می فرماید: «راز تو در بند توست،
اگر آن را فاش کنی تو در بندش خواهی شد.»

نکاتی که شاید برای ما مهم نباشد و عادی به حساب آید، مهم است و برای آن‌ها راز محسوب می‌شود و اگر کسی از کارکنان سلامت آن را فاش کند از او شکایت می‌کنند.

خانمی با تلفن ثابت مطب متخصص زنان و نازایی تماس گرفته است و خود را برای منشی معرفی می‌کند که همان «رضایی» است که چند سال درگیر ناباروری است. منشی مطب آنچه را می‌شنود به زبان هم بیان می‌کند: «بله حالا یادم افتاد، خانم رضایی! درسته درسته چندساله که نازایی داری و دو بار هم کاشتی و نشده است» یکی از خانم‌هایی که در سالن انتظار نشسته است با سوابق ذهنی خود بیمار را شناسایی می‌کند و به این ترتیب بعد از مدتی، این گونه بین خانم‌های محله پیچ می‌شود: «اِو! پس خانم رضایی نازایی داره!» خانم رضایی از پزشک، بله به درستی از پزشک و نه از منشی به مراجع ذی‌صلاح شکایت می‌کند. مسئولیت رفتار منشی با پزشک است. خود او منشی را انتخاب نموده و باید او را آموزش می‌داد و از حُسن انجام کار او در مطب، مطمئن می‌شد. اطلاعات بیمار را مهم بدانیم و در حفظ آن، بیش از پیش تلاش کنیم.

پی‌نوشت:
۱. غررالحکم، ۵۶۳۰.

همان‌گونه که در جریان هستید، قرار بر این بود که در هر جلسه درس، آیه‌ای از قرآن کریم و یا یک حدیث شریف بیان شود و این آیات و روایات با موضوع و مبحث کلاس اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای دانشجویان رشته‌های علوم سلامت مرتبط باشد. از چهار شماره پیش، موضوع «مانت‌داری»، با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات شریفه، مطرح شد. در شماره‌های قبل نشریه، با استناد به آیه‌ای از سوره مبارکه یوسف و روایات شریفه، موضوع رازداری بحث شد. اکنون به حدیثی دیگر درباره همین موضوع، مراجعه می‌کنیم.

آنچه از فرمایش مولای متقیان برداشت می‌کنم این است که تا وقتی راز بیمار (و همه آنچه از بیمار می‌دانیم، می‌تواند راز به حساب آید) را فاش نکرده‌ایم، آن راز در دست ماست، اما از زمانی که آن راز را فاش کردیم، ما اسیر و گرفتار آن راز خواهیم بود؛ بیمار شکایت می‌کند، باید برای ادای توضیح به نظام پزشکی یا تکمیل پرونده به پاسگاه انتظامی برویم، مستندات خود را به دادگاه بدهیم تا بتوانیم از خود دفاع کنیم و به جای اینکه در محل کار خود باشیم، هر چند روز یک‌بار می‌بایست به کلاتری، پاسگاه، دادگاه و... برویم. اسرار زندگی انسان‌ها برای آن‌ها مهم است. برای بعضی از بیماران،

نکاتی که شاید برای ما مهم نباشد و عادی به حساب آید، برای بعضی بیماران مهم است و راز محسوب می‌شود.



یکی از پزشکان برای مشورت گرفتن از سایر همکاران، شرح حال و تصویر مدارک درمانی یکی از بیمارانش را در یکی از گروه‌های مجازی پزشکان به اشتراک می‌گذارد. یکی دیگر از اعضای گروه به او تذکر می‌دهد که «اصل رازداری» را نقض کرده است، اما پزشک اول به او پاسخ می‌دهد: می‌خواهم نظر سایر همکاران را بدانم تا بیمارم را بهتر درمان کنم. این گروه، گروه پزشکی است و این حرف شما توهین به جامعه پزشکی است.

تحلیل مورد

رازداری در حرفه پزشکی از اصول اخلاقی و پایه و اساس اعتماد مردم به جامعه پزشکی است. در اصل، نیازی به درخواست بیمار برای محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات نیست؛ چراکه در حرفه پزشکی، رازداری پیش‌فرض رابطه جامعه پزشکی با بیمار است؛ اما با پیشرفت فناوری و گسترش فضای مجازی، فصل جدیدی در بحث رازداری گشوده شد. بسیاری از افراد جامعه پزشکی در فضای مجازی فعالیت دارند و این فعالیت می‌تواند تنها به‌عنوان یک شخص حقیقی و بدون هیچ‌گونه انتساب به جامعه پزشکی صورت گیرد، مانند فعالیت با اسم مستعار یا درجایی که فرد به‌عنوان یک عضو جامعه پزشکی شناخته نمی‌شود و یا به‌عنوان شخص حقیقی با انتساب مشخص به جامعه پزشکی مثل عضویت در گروه‌های مجازی که سایر افراد از انتساب فرد به جامعه پزشکی اطلاع دارند و یا به‌عنوان عضو جامعه پزشکی در گروه‌های حرفه‌ای که برای تبادل نظر و انتقال تجربیات حرفه‌ای و... ایجاد می‌شود و یا به‌عنوان عضو جامعه پزشکی برای ارائه مطالب آموزشی به سایر افراد جامعه و یا حتی برای تبلیغات.

فعالیت جامعه پزشکی در فضای مجازی با هر عنوانی که باشد، تابع فضای واقعی و حرفه‌ای است؛ یعنی همان اصول، قوانین، ریزبینی‌ها و ملاحظات می‌بایست رعایت شود. یکی از این اصول،

تحلیل اخلاقی - حقوقی موارد

رازداری در فضای مجازی

احمد مشکوری
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
a.mashkoori@gmail.com

«رازداری» است. امروزه اطلاعات بسیاری از بیماران، تصویر و یا مدارک درمانی آنان در فضای مجازی جابه‌جا می‌شود و متأسفانه در برخی موارد، شاهد نقض رازداری هستیم. جابه‌جا شدن تصویر یا اطلاعات بیمار چه برای مشاوره درمانی، چه برای انتقال تجربه به سایر همکاران اگر موجب شناسایی بیمار شود، نقض قانون رازداری به شمار می‌رود و افزون بر خدشه‌دار کردن اعتماد مردم به جامعه پزشکی، مشکلات قضایی را به دنبال دارد. دقت کنید در به اشتراک گذاشتن اطلاعات، تنها اطلاعات ضروری ذکر شود و بجای تصویر بیمار، تصویر قسمت آسیب‌دیده ارسال شود. این مسئله در ارسال تصویر نسخه، جواب آزمایش، گرافی و... نیز صادق است و بایستی مشخصات بیمار مخدوش شود و بیمار قابل‌شناسایی نباشد. در بعضی شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، هویت مجازی اولین ارسال‌کننده، در کنار مطلب ارسال شده دیده می‌شود و ارسال مجدد مطلب به شخص ثالث یا گروه می‌تواند موجب شناسایی ارسال‌کننده اول شود؛ بنابراین در این موارد نیز، بایستی به روش مناسب، بیمار غیرقابل‌شناسایی شود.

منابع:

پزشک و ملاحظات اخلاقی، ج ۱، صص: ۲۷-۲۸



علیت در پزشکی ۲

صادق یوسفی
مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم
پزشکی قم
syoosefee@muq.ac.ir
yoosefee@gmail.com

برای فیلسوفان علم، به ویژه طرفداران «تجربه‌گرایی جدید» آزمایش‌های کنترل‌شده، وسیله‌ای معتبر برای کشف روابط علی به حساب می‌آید. با محدود کردن متغیرهای مستقل، یک محقق می‌تواند نه تنها وضعیت علیت یک متغیر وابسته را از نظر یک پدیده طبیعی تحت بررسی، تعیین کند؛ بلکه می‌تواند ماهیت رابطه بین علت و معلول را نیز تعیین کند. منظور از ماهیت در اینجا خطی یا هندسی بودن رابطه است.

از دیدگاه زیست‌پزشکی «یک علت، عمل یا حالتی است که به تنهایی یا همراه با سایر علل، شروع‌کننده یا مجوز دنباله‌ای از رخدادها است که نتیجه را در پی دارد».

علیت در علوم طبیعی مربوط به شناسایی اعمال طبیعی یا فیزیکی یا حالاتی است که معلول را ایجاد می‌کند. افزون بر این، یک علت ممکن است کافی یا ضروری باشد. یک علت کافی قادر به ایجاد معلول است، در حالی که یک علت لازم، برای رسیدن به آن ضروری است. با این مقدمه، در شماره آینده به علیت در پزشکی پرداخته خواهد شد.

منابع:

Marcum, J. A. (2008). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. 99). Netherlands: Springer

در شماره پیشین، به کلیات مفهوم «علیت» و عوامل مسئول آن پرداخته شد. در این شماره، به این مفهوم از منظر فیلسوفان معاصر اشاره‌ای می‌شود؛ چراکه آشنایی با آن ممکن است جهت ورود به عرصه علیت در پزشکی، کمک‌کننده باشد. در آغاز باید گفت که فیلسوفان معاصر در بحث ماهیت علیت کارآمد، دو پرسش اساسی را مطرح می‌کنند: پرسش اول در مورد نوع ماهیت‌ها و یا موجوداتی است که به‌عنوان علت و معلول نقش ایفا می‌کنند؛ برخی از فیلسوفان در تلاش برای وضوح آن موجودات، عامل علیت را واقعیت‌هایی می‌دانند که نمایانگر حالات واقعی امور یا ویژگی‌هایی هستند که معلول‌ها را نمایان می‌کنند. پرسش دوم در مورد روابط بین علت و معلول است و پس از آن، روابط بین علت و معلول نیز از نظر شرط کافی و لازم بودن، مورد بحث قرار می‌گیرد. برخی از این فیلسوفان، چهار معیار علیت را شامل زمان، پیوستگی، اثبات (شاهد) و تبیین (توضیح) در نظر می‌گیرند. به‌طور خلاصه، منظور از معیار زمان این است که علت، عموماً بر معلول مقدم است. معیار پیوستگی، اشاره به پیوند علت با معلول دارد. معیار شاهد حاکی از این است که علت و معلول یکدیگر را تأیید نمایند. معیار توضیح نیز به این واقعیت می‌پردازد که علت، معلول را در پی دارد. با این رویکرد، لازم است تئوری‌های علیت با در نظر گرفتن موضوع زمان و مکان به مفهوم علت و معلول بپردازند؛ همچنین بایستی این تئوری‌ها با معیارهای شاهد و توضیح درهم‌آمیخته شوند؛ در این حالت شاهد علت و معلول برای همدیگر و نیز عوامل توضیح‌دهنده علت و معلول نیز از نظر دور نمی‌مانند و فقط در این صورت است که می‌توان به‌اندازه کافی یک تئوری علیت را برای روابط علی، مستحکم دانست. ماهیت علیت برای فیلسوفان علوم طبیعی، به ویژه از نظر کشف روابط علی یا پیوندهای بین پدیده‌های طبیعی نیز مهم است؛ زیرا ضروری است که دانشمندان، بین آن دسته از موجودات که باعث ایجاد پدیده‌های طبیعی می‌شوند و آن‌هایی که نمی‌شوند، تمایز قائل گردند.

از دیدگاه زیست‌پزشکی «یک علت، عمل یا حالتی است که به تنهایی یا همراه با سایر علل، شروع‌کننده یا مجوز دنباله‌ای از رخدادها است که نتیجه را در پی دارد».

جستارهایی در اخلاق کاربردی

«اخلاق کاربردی» که از نوظهورترین مباحث فلسفه اخلاق شمرده می‌شود، در نیمه دوم قرن بیستم به بالاترین میزان از رشد و اشاعه خود رسید. شاید اگر بخواهیم قابلیت عملی عینی و انطباق فلسفه را با مسائل روز نشان دهیم، بی‌گمان ارائه مباحث اخلاق کاربردی، بهترین راهکار است. بسط و بحث این شاخه از فلسفه با ایجاد و تصویب قوانین حقوقی ملی و بین‌المللی و نیز پیمان‌های جهانی، موجب شده است مباحث نظری اخلاق کاربردی، روزبه‌روز عمیق‌تر و پیچیده‌تر شود؛ چراکه اخلاق کاربردی به علت فراوانی موضوعات، قابلیت طرح مباحث نظری مشترک با دیگر رشته‌ها را دارا است.

کتاب «جستارهایی در اخلاق کاربردی» مجموعه مقالاتی پیرامون موضوع اخلاق کاربردی است. این کتاب دستاورد تلاش جمعی از پژوهشگران (همگی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه قم) است که با هدف طرح و بررسی برخی از مسائل اخلاقی و با انگیزه همگانی‌شدن تفکر اخلاقی در حل مشکلات عملی زندگی، گردآوری شده است. کتاب حاضر در سال ۱۳۸۹ در ۵۰۴ صفحه توسط انتشارات دانشگاه قم به چاپ رسیده است. مقالات کتاب براساس وظایف اخلاق کاربردی، ارزیابی اخلاقی، عملکردهای اجتماعی، تعیین و وظایف اخلاقی و نیز حل معضلات اخلاقی به رشته تحریر درآمده است.

در دو مقاله نخست با عنوان «اخلاق کاربردی ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها» به تألیف دکتر زهرا خزاعی و «تصمیم‌گیری اخلاقی» پژوهش مشترک خانم‌ها، زهرا خزاعی و انسیه مدنی، مسائل مبنایی مد نظر بوده و در سایر مقالات، تلاش شده است تا نقشه‌های کلی از اخلاق کاربردی و جایگاه این شاخه در فلسفه اخلاق نشان

داده شود. سایر مقالات بر پایه مطالعات بین‌رشته‌ای، به بررسی اخلاقی موضوعات مختلف پرداخته‌اند؛ از جمله: اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی (نرگس خالقی)؛ اخلاق تدریس در دانشگاه آسیب‌شناسی انگیزه تحصیل در دانشجویان (مرضیه مصطفوی)؛ ارزیابی اخلاقی دانشگاه مجازی (فرانک فتوحی قزوینی و زهرا خزاعی)؛ بررسی مسائل اخلاقی در سامانه‌های هوشمند (مرضیه داودآبادی و زهرا خزاعی)؛ انسان‌محوری در اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی (محسن جوادی)؛ اخلاق جنگ و صلح (نرجس جواندل)؛ اسلام و نظریه جنگ عادلانه (محمد لگنهاوسن با ترجمه منصور نصیری)؛ اخلاق همسرداری (فرح رامین)؛ اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم (اقدس ایزدی)؛ اخلاق حسابداری (نرگس سرلک)؛ اخلاق کسب‌وکار (حمید شهریاری) و اخلاق در ورزش با رویکرد بازی منصفانه (طاهره ندایی و خلیل علوی).

بررسی و تحلیل عوامل بروز مشکلات اخلاقی مرتبط با هر حوزه و ارائه راهکارهای عملی با رویکردهای مطرح در نظریه‌های هنجاری اخلاق و گاه با رویکردی دینی، از جمله اموری است که بیشتر مورد توجه نویسندگان این کتاب بوده است.





زلال سلامت دعوی اخلاص

گر تو آدم زاده هستی "عَلَمَ الْأَسْمَا" چه شد؟
"قَابَ قَوْسینت" کجا رفته است؟ "أَوَأَذنی" چه شد؟

بر فراز دار، فریاد "أَنَا الحق" می زنی
مدعی حق طلب، ایتت و انا چه شد؟

صوفی صافی اگر هستی، بکن این خرقة را
دم زدن از خویشتن با بوق و با کرنا چه شد؟

زهد مفروش ای قلندر، آبروی خود مریز
زاهد ار هستی تو، پس اقبال بر دنیا چه شد؟

این عبادت‌ها که ما کردیم، خویش کاسبی است
دعوی اخلاص با این خودپرستی‌ها چه شد؟

مرشد از دعوت به سوی خویشتن، بردار دست
"لا الهت" را شنیدستم؛ ولی "الآ" چه شد؟

شاعر بی‌مایه، بشکن خامه آلوده‌ات
کم دل‌آزاری نما، پس از خدا پروا چه شد؟

امام خمینی رحمته
سایت تبیان